

The process of issuing arbitration awards in international commercial disputes and its legal effects

Abdulkhaleq Qasimi¹  Reza Haidari² 

1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan. (Corresponding Author). E-mail: Abdulkhaleq.qasemi@kateb.edu.af
2. Master of Private Law, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan.
Email: rezahaidari366@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received :
22/06/2025
Received in revised
form :05/07/2025
Accepted :
14/08/2025
Available online :
03/10/2025

Keywords:

commercial
disputes,
International
arbitration Issuance
Of 's award, legal
effects of arbitration

International arbitration has developed significantly as one of the leading methods of resolving commercial disputes in the international trade law system. The main goal of the arbitration rules and the expectations of the parties to the dispute in international trade disputes is to reach a decision that the arbitrators make after reviewing the documents and evidence of the case and is reflected in the issued award. This research, based on the Afghan arbitration laws and relevant international documents, examines the process of issuing an arbitration award and its legal effects. The findings of the research, which were conducted using a descriptive-analytical method and using library resources, show that issuing an arbitration award is the final stage of the arbitration process and expresses the outcome of the dispute. Compliance with the basic conditions of the arbitration award, such as being in writing, recording the award, notification to the parties, signatures of the arbitrators, place of issuance and language of the arbitration, play a fundamental role. Arbitration awards include various types, including final awards, partial awards, interim awards and consensual awards. Also, the issuance of an award is subject to strict formal rules such as the agreement of the parties before issuing the award, the issuance of the award by a single or multiple arbitrators, and the claimant's withdrawal from the case. The legal effects of an arbitration award at the international level include binding force, prohibition of recourse to court, and termination of the arbitration. The arbitrator examines the dispute based on the agreement and contract of the parties and issues an award, which after issuing the award, his or her decision is final, enforceable, and has the value of a final order.

Cite this article: Qasimi, A. & Haidari, R. (2025). The process of issuing arbitration awards in international commercial disputes and its legal effects, *Kateb Journal of Law*, 4 (1), 53-67.



فرایند صدور رأی داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی و آثار حقوقی آن

عبدالخالق قاسمی^۱ ✉ رضا حیدری^۲ 

۱. پوهنمل، دبیرتمنت حقوق، پوهنځی حقوق، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان. (نویسنده مسؤول)

ایمیل: Abdulkhaleq.qasemi@kateb.edu.af

۲. ماستر حقوق خصوصی، پوهنځی حقوق، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان

ایمیل: rezahaidari366@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

داوری بین‌المللی به عنوان یکی از شیوه‌های پیش‌تاز حل‌وفصل اختلافات تجاری در نظام حقوق تجارت بین‌الملل توسعه قابل توجهی یافته است. هدف اصلی قواعد داوری و انتظار طرفین منازعه در اختلافات تجاری بین‌المللی، رسیدن به تصمیمی است که داوران پس از بررسی مدارک و شواهد پرونده اتخاذ نموده و در رأی صادره جلوه‌گر می‌شود. این پژوهش با تکیه بر قوانین داوری افغانستان و اسناد بین‌المللی مرتبط، به بررسی فرایند صدور رأی داوری و آثار حقوقی آن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، نشان می‌دهد که صدور رأی مرحله نهایی فرایند داوری و بیانگر نتیجه رسیدگی به دعواست. رعایت شرایط اساسی رأی داوری مانند کتبی بودن، ثبت رأی، ابلاغ به طرفین، امضای داوران، محل صدور و زبان داوری نقش اساسی دارد. رأی داوری انواع مختلفی از جمله رأی نهایی، رأی جزئی، رأی موقت و رأی مرضی‌الطرفین را شامل می‌شود. همچنین، صدور رأی تابع قواعد شکلی دقیق مانند توافق طرفین قبل از صدور رأی، صدور رأی توسط داور واحد یا متعدد و انصراف مدعی از دعواست. آثار حقوقی رأی داوری در سطح بین‌المللی شامل الزام‌آوری، منع مراجعه به محکمه و ختم داوری است. داور بر مبنای توافق و قرارداد طرفین به اختلاف رسیدگی کرده و رأی صادر می‌کند، که پس از صدور رأی فارغ شده، رأی او قطعی و لازم‌الاجرا بوده و ارزش امر مختومه را دارد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱

واژه‌های کلیدی:

اختلافات تجاری، داوری

بین‌المللی، صدور رأی، آثار

حقوقی رأی داوری

استناد: شفق، عبدالخالق (۱۴۰۴). فرایند صدور رأی داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی و آثار حقوقی آن.

دوفصلنامه حقوق کاتب، ۴ (۱)، ۶۷-۵۳.



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

مقدمه

فرایند صدور رأی داوری در عرصه تجارت بین‌الملل، به عنوان یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات، جایگاهی ویژه در نظام حقوقی و روابط تجاری دارد. داوری نه تنها به‌عنوان روشی کارآمد برای رسیدگی به اختلافات پیچیده و طولانی تجاری شناخته می‌شود، بلکه به دلیل سرعت، هزینه کمتر، محرمانگی و امکان انتخاب داور توسط طرفین، جایگزین مؤثری برای دادرسی‌های قضایی سنتی به شمار می‌آید. سؤال اصلی این پژوهش این است که فرایند صدور رأی داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی چگونه انجام می‌شود و این فرایند چه ویژگی‌ها، انواع و آثار حقوقی دارد؟ همچنین بررسی می‌شود که رأی داوری چگونه می‌تواند حقوق و تعهدات طرفین را تعیین کند و چه ارتباطی با اصول قانونی و ساختار بین‌المللی داوری دارد.

این فرایند در روابط تجاری بین‌المللی، نقشی تعیین‌کننده در تبیین حقوق و تعهدات طرفین ایفا می‌کند و آثار حقوقی گسترده‌ای را به دنبال دارد. اهمیت این موضوع در آن است که رأی داوری می‌تواند نه تنها به اختلافات پایان دهد، بلکه مبنای اجرای تعهدات قراردادی و تضمین حقوق طرفین نیز قرار گیرد. با وجود تحقیقات پیشین در حوزه داوری، آثار متعددی از دانشمندان حقوق در این زمینه موجود است، آن‌چه این تحقیق را از دیگر آثار مشابه جدا می‌سازد بررسی دقیق و جامع فرایند صدور رأی، انواع آن و آثار حقوقی ناشی از آن در قوانین داوری افغانستان و اسناد بین‌المللی است، که تا حال کمتر مورد توجه اصحاب قلم قرار گرفته است. در انجام پژوهش حاضر با هدف تبیین فرایند صدور رأی داوری و آثار حقوقی آن در قوانین داوری افغانستان و نظام حقوقی تجارت بین‌الملل از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱. مفهوم شناسی

با در نظر داشت این که رأی داوری از دو واژه «رأی» و «داوری» تشکیل شده است ابتدا به صورت جداگانه به بررسی مفهوم این دو واژه پرداخته، سپس به بررسی مفهوم ترکیبی آن، (رأی داوری) خواهیم پرداخت:

الف- مفهوم رأی

«رأی» در عربی به معنای «نظر، عقیده، اندیشه، تدبیر، بصیرت و حکم» آمده است. (عمید، ۱۳۸۱: ۶۴۲؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰۴۲۴) در فقه رأی را عملی حقوقی و نیازمند قصد انشاء و توجه به مفاد تصمیم می‌دانند. (خدابخشی، ۱۳۹۱: ۳۷۶) در نظام حقوقی ایران «رأی» را به سه بخش تقسیم کرده اند: مقدمه، اسباب موجهه، منطوق. منظور از اسباب موجهه جهات یا اسباب حکم است، شامل جهات، اعم از موضوعی و قانونی، و مقصود از منطوق همان بخش آمره حکم است که موضوع مورد اختلاف دو طرف را حل و فصل و اعلام می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

ب- مفهوم داوری

داوری در لغت به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه و صدور حکم آمده است. واژه «داور» در اصل «دادور» بوده و به معنای صاحب داد یا عدالت است. به مرور زمان برای سهولت در تلفظ، داور شده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۴۳) اصطلاح حکمیت که ریشه‌ای عربی دارد، معادل «داوری» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۳۶) در زبان فارسی می‌باشد.

از نگاه لغوی حکمیت از ماده «حکم» به معنای حکم (داور) است. مثلاً می‌گویند او در قضیه خود فلان شخص را حکم (داور) گردانید. (خواجہ امانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳)

برخی از حقوقدانان، داوری را به طور خلاصه این‌گونه تعریف کرده‌اند: حل و فصل اختلاف توسط شخصی غیر از قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی دادرسی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۳۸۴)

در اصطلاح، داوری یا حکمیت عبارت است از حل و فصل اختلافات بین طرفین از طریق حکم کردن بین آن‌ها توسط شخص ثالث، به عبارتی دیگر حکمیت از ریشه حکم به معنای قضاوت و دادرسی و در اصل به معنای تفویض بازداشتن آمده است و تحکیم نیز از همین ریشه گرفته شده است که در اصطلاح به معنای تفویض قضاوت نسبت به کسی یعنی همان ثالث، اعم از مفرد یا جمع است. این همان تعریفی است که در «مجله الاحکام» نیز آمده است که مطابق آن شخص یا اشخاصی از سوی طرفین برای خاتمه دادن به اختلاف مطروحه تعیین می‌گردند. (سلیم رستم باز، ۱۳۰۵: ۱۱۶۳)

در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، داوری چنین تعریف شده است: «داوری عبارت است از رفع اختلاف میان طرفین دعوا در خارج از دادگاه توسط شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که با توافق طرفین انتخاب شده یا به موجب قانون منصوب گردیده باشند.» همچنین در ماده دوم قانون حکمیت تجاری افغانستان آمده است: «حکمیت عملیه لازم‌الاجرا است که بر اساس آن، حکم یا هیأت حکمیت، یا اداره حکمیت، به تقاضا و توافق طرفین یا به موجب تصمیم محکمه، خدمات بی‌طرفانه‌ای را با هدف حل و فصل سریع و عادلانه منازعات ناشی از قرارداد معاملات اقتصادی و تجاری، ارائه می‌کنند.»

۲. مفهوم رأی داوری

در قوانین ملی و بین‌المللی، تعریفی جامع و صریح از رأی داوری ارائه نشده است. به طور مشخص، در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و همچنین در قانون نمونه آنسیترال، تعریف روشنی از رأی داوری ذکر نشده است. در این چهارچوب، رأی داوری به تصمیم نهایی اطلاق می‌شود که تمامی موضوعات ارجاعی به دیوان داوری را خاتمه می‌دهد. افزون بر این، هرگونه تصمیم دیگر داوران نیز می‌تواند تحت عنوان رأی داوری قرار گیرد. (شیروی، ۱۳۹۶: ۲۵۷)

البته، اصطلاح «رأی» فقط شامل موضوعات ماهوی است که دعوا را به طور نهایی حل و فصل می‌کند، اما عده‌ای معتقدند در عین حالی که ممکن است قرار (رأی) راجع به ماهیت دعوا باشد، با تصمیمات صلاحیتی یا موضوعات شکلی نیز توأم باشد. قانون حکمیت تجاری افغانستان در بند چهارم ماده دوم، در تعریف قرار حکمیت می‌گوید: «عبارت از تصمیم نهایی است که از طرف حکم، حکم‌ها یا بورد حکمیت یا

محکمه در مورد حل و فصل منازعه اتخاذ می‌گردد.» البته باید توجه داشت که محکمه، قرار حکمیت صادر نمی‌کند و در ماده مذکور، سهواً ذکر شده است.

۳. انواع رأی داوری

در داوری تجاری بین‌المللی، رأی داوری بسیار متنوعی وجود دارد. رأی نهایی، رأی جزئی، رأی اصلاحی، تفسیری، و تکمیلی. در بند (۱) ماده ۳۳ مقررات داوری انسیترال ۱۹۷۶ آمده: «دیوان داوری حق دارد علاوه بر رأی نهایی، رأی موقت و جزئی نیز صادر نکند.» یکی از انواع دیگر رأی داوری، رأیی است که بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین صادر می‌شود و در ادبیات داوری از آن به عنوان رأی سازشی نیز یاد می‌گردد. با این حال، تقسیم‌بندی رأی داوری در نظام‌های مختلف حقوقی با مشکلاتی همراه است. نخست آن که قوانین داوری، الگوی یکسانی برای این طبقه‌بندی‌ها ارائه نمی‌کنند و برخی از قوانین چنین دسته‌بندی‌هایی را می‌پذیرند در حالی که برخی دیگر از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند. دوم آن که، یک اصطلاح ممکن است برای انواع متفاوتی از آرا به کار رود؛ به عنوان نمونه، آن چه در نظام‌های حقوق نوشته «رأی جزئی» خوانده می‌شود، در برخی از کشورهای کامن‌لا با عنوان «رأی موقت» شناخته می‌شود. بدین ترتیب، انسجام و وحدت رویه در کاربرد کلمات و اصطلاحات مرتبط به این دسته آرا وجود ندارد. (بختیاروند و احمدی، ۱۳۹۷: ۲۷۶)

الف- رأی نهایی

برخی از نویسندگان به این باورند که نهایی بودن رأی داوری شرط اساسی برای قطعیت، قابلیت اجرا و همچنین امکان اعمال نظارت قضایی بر آن به شمار می‌رود. (Rhodes Jennifer M, 2003: 678) رأی نهایی در داوری به معنای آخرین تصمیم دیوان داوری است که تمام ابعاد و جوانب یک اختلاف را در بر می‌گیرد و با صدور آن، صلاحیت داوران نسبت به آن اختلاف پایان یافته و داوران از ادامه رسیدگی فارغ می‌شوند. (Redfern & Hunter, 2004: 362)

در این خصوص در ماده ۳۲، قانون نمونه بیان می‌کند که یک رأی نهایی روند داوری را پایان می‌دهد. با صدور چنین رأیی، هر اختلاف جدید، (جز در موارد استثنایی مانند اصلاح، تفسیر یا تکمیل رأی) خارج از صلاحیت هیأت داوری خواهد بود. بنابراین، رابطه حقوقی میان داوران و طرفین اختلاف در همان بخش پایان می‌یابد. افزون بر این، رأیی که نهایی و الزام‌آور محسوب می‌شوند، می‌توانند در دادگاه مقرر داوری مورد اعتراض طرف بازنده قرار گیرند و بر اساس کنوانسیون نیویورک قابلیت شناسایی و اجرا دارند.

ب- رأی جزئی

در بند ۱ ماده ۳۲، مقررات داوری انسیترال به صراحت به دیوان داوری اختیار داده شده است که رأی جزئی صادر کند. همچنین، در بند ۵ ماده ۲ مقررات داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، رأی داوری شامل رأی (دستور) موقت، رأی جزئی و رأی نهایی دانسته شده است. با این حال، در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نص صریحی در خصوص این که رأی نهایی باید نسبت به کل موضوع اختلاف باشد یا می‌تواند تنها

بخشی از آن را دربرگیرد، وجود ندارد. در نتیجه، در این زمینه ابتدا باید به موافقتنامه داوری مراجعه شود. برای مثال، چنانچه طرفین مقررات داوری آنسیترال یا مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی را انتخاب کرده باشند، دیوان داوری می‌تواند رأی جزئی صادر کند. (شیروی، ۱۳۹۶: ۲۵۹)

در صورتی که طرفین در این خصوص سکوت اختیار کرده باشند، به نظر می‌رسد دیوان همچنان اختیار صدور رأی جزئی را داشته باشد؛ مشروط بر آن که این رأی واجد ویژگی‌های اساسی یک رأی نهایی باشد. بدین معنا که اولاً بخش مورد رسیدگی به طور کامل از سایر موضوعات اختلاف قابل تفکیک باشد و ثانیاً پس از صدور آن، اصل فراغ داور محقق گردد و داوران حق تجدیدنظر در رأی صادره را نداشته باشند، مگر در موارد استثنایی همچون تصحیح، تکمیل یا تفسیر رأی. بدیهی است عدم دقت دیوان در تفکیک اختلافات می‌تواند روند داوری را با چالش جدی مواجه سازد؛ به عنوان مثال، اگر پس از صدور رأی جزئی، دیوان ناچار به تعدیل مفاد آن گردد، این امر با اصل فراغ داور تعارض خواهد داشت.

ج- رأی غیابی

اقسام رأی داور را می‌توان از لحاظ آگاهی خواننده دعوا از جریان دادرسی به حضوری و غیابی تقسیم کرد.

د- رأی مرضی‌الطرفین

اگر پس از این که پرونده طبق ماده ۱۰ به داور تحویل شده است، طرفین تراضی کنند، همین تراضی می‌تواند به صورت رأی مرضی‌الطرفین به وسیله داور صادر شود. (آنتونیوکاسس و نصرت الله حلمی، ۱۳۶۵، ۲۶۰) مطابق ماده ۲۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی، هرگاه طرفین در جریان رسیدگی داوری موفق به حل و فصل اختلافات خود از طریق سازش شوند، داور مکلف است قرار سقوط دعوای داوری را صادر کند. افزون بر این، در صورتی که یکی از طرفین درخواست کند و طرف دیگر نیز اعتراضی نداشته باشد، داور می‌تواند موافقتنامه سازش را با رعایت مفاد ماده ۳۰ همان قانون، در قالب رأی داوری مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین صادر کند.

۴. شرایط رأی داوری

الف- مکتوب بودن

در بند ۱ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی، بر کتبی بودن رأی داوری تأکید شده است. بر اساس این ماده، رأی باید به صورت مکتوب تنظیم شده و به امضای همه‌ی داوران یا همه کسانی که با رأی موافقت کرده‌اند، رسیده باشد. در ماده ۴۷ قانون حکمیت تجاری افغانستان چنین آمده است:

۱. قرار حکمیت (صدور رأی) باید به صورت کتبی تنظیم شود و به امضای حکم یا حکم‌ها برسد. اگر داوری توسط بیش از یک حکم انجام گیرد، امضای اکثریت اعضای هیأت داوری کافی است، به شرط آن که علت نبود سایر امضاها در متن توضیح داده شود.

۲. در قرار حکمیت باید دلایل و مستندات ذکر گردد، مگر آن که طرفین توافق کرده باشند که دلایل قید نشود یا این که قرار بر اساس سازش طرفین و مطابق ماده ۴۷ این قانون صادر شده باشد.
۳. تاریخ و محل صدور قرار حکمیت باید در متن آن درج شود.
۴. با صدور قرار حکمیت، رسیدگی پایان می‌یابد و مأموریت هیأت داوری در خصوص دعوی مورد اختلاف خاتمه پیدا می‌کند.

طبق ماده (۱) ۳۱ قانون نمونه، رأی باید به صورت کتبی صادر شود. همچنین، ماده ۱۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مقرر می‌دارد که رأی باید به امضا برسد که به طور ضمنی کتبی بودن رأی را بیان می‌کند. در شرایط فعلی، هیچ تردیدی در کتبی بودن رأی داور وجود ندارد و در مواردی که به صراحت بر کتبی بودن اشاره نمی‌شود، این امر به دلیل بدهی بودن آن است. در برخی کشورهای اروپایی، از جمله پرتغال و اسپانیا، علاوه بر الزام به کتبی بودن، طبق رویه دیرینه، رأی داور با سند رسمی صادر می‌شود. همچنین در ماده ۳۱ قانون داوری ۱۹۹۹ سوئد شرایط ذیل را ذکر کرده است: (۱) رأی مکتوب باشد. (۲) توسط داوران امضا شود. (۳) تاریخ صدور رأی در آن ذکر شود. (۴) محل داوری در آن ذکر گردد. (ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ۲۰۲)

ب- امضا به وسیله داوران

امضای رأی توسط داوران ضروری است، بر اساس بند ۱ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی، رأی داوری باید کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در صورتی که دیوان داوری متشکل از یک داور باشد، رأی توسط همان داور امضا می‌شود. اگر دیوان از چند داور تشکیل شده باشد، اکثریت داوران باید رأی را امضا کنند و دلیل عدم امضای سایر اعضا در رأی قید شود. (شیروی، ۱۳۹۶: ۲۶۲) عواقب عدم امضای رأی توسط اقلیت اعضای هیأت داوری مدت‌ها مورد بحث و بررسی بوده است. این مسأله موقعیت نسبتاً رایجی است. گاهی به دلیل آن که امکان امضای رأی برای یک داور وجود ندارد، به دلیل مرگ، از کار افتادگی و... این اتفاق پیش می‌آید.

گاهی داور نمی‌خواهد طرفی را که او را منصوب کرده و حالا بازنده رسیدگی داوری شده است نا امید کند. بعضی اوقات نیز اکثریت داوران به گونه‌ای رفتار می‌کنند که داور احساس می‌کند به اندازه کافی به اظهار نظرهای او توجه نشده است یا حق اظهار نظر از او گرفته شده است؛ چراکه ذکر این امر که رأی صادره، رأی اکثریت است نمی‌تواند به تنهایی از حق اظهار نظر مخالف حمایت کند.

به موجب ماده ۳۲ قواعد داوری انسیترال، رأی داوری باید به وسیله داوران امضا شده باشد در صورت عدم امضا علت آن در رأی قید شود مگر آن که خلاف آن مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد. وقتی سه داور وجود داشته باشد و یکی از آن‌ها امضا نکند دلیل عدم وجود امضای او در رأی بیان خواهد شد. قواعد داوری دادگاه بین‌المللی لندن نیز به همین نکته اشاره دارد و مقرر می‌دارد که اگر داوری تعمداً یا سهواً رأی را امضا نکند امضای اکثریت یا رئیس دادگاه کافی خواهد بود؛ به شرط آن که اکثریت یا رئیس، دلیل حذف آن امضا را در رأی ذکر کنند. (ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ۲۰۲)

ج- تاریخ صدور و مکان صدور رأی

ذکر تاریخ صدور رأی داورى از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا بر آغاز یا پایان مهلت‌های قانونی و مواعد مرتبط با رأی تأثیر مستقیم دارد. این موضوع در قوانین داخلی، قواعد داورى و معاهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. شایان ذکر است که اهمیت قید تاریخ و محل صدور در رأی داورى داخلی به اندازه رأی داورى بین‌المللی مورد توجه نیست. برای نمونه، در ایتالیا، چنانچه رأی داور ظرف پنج روز پس از صدور در دفتر دادگاه تسلیم نشود، اعتبار خود را از دست می‌دهد. بنابراین، در چنین نظام‌هایی، ذکر دقیق تاریخ در رأی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. (خزاعی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

در قانون داورى تجاری بین‌المللی ایران، بند ۳ ماده ۳۰ تصریح می‌کند که رأی داور باید شامل تاریخ و محل صدور باشد. همچنین در بند ۳ ماده ۲۵ قواعد داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی ۱۹۳۳م. فرض بر این است که رأی در محل داورى و مطابق تاریخ درج‌شده در ذیل آن صادر شده است. افزون بر این، بند ۴ ماده ۳۲ قواعد داورى آنسیترال نیز بر قید تاریخ و محل صدور رأی تأکید دارد.

به طور معمول، در رأی داور، محل صدور رأی مشخص می‌شود، اما بویژه در داورى‌های بین‌المللی، عدم ذکر محل، لزوماً به معنای بطلان رأی نیست. این امر به دلیل واقعیت‌های عملی تجارت بین‌الملل است؛ به عنوان مثال، داوران ممکن است جلسات رسیدگی را در مکانی غیر از محل رسمی داورى برگزار کنند، زیرا عوامل متعددی مانند محل وقوع کالا، محل استماع شهادت شهود یا کارشناسان بر انتخاب محل داورى اثر می‌گذارند. در نتیجه، قواعد داورى بین‌المللی از عبارات انعطاف‌پذیری برای تعیین محل صدور رأی استفاده می‌کنند. در داورى‌های مراکز بین‌المللی حل اختلاف سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع آن‌ها، محل داورى معمولاً در مقر مرکز یا محلی که مرکز تعیین می‌کند انجام می‌شود، اما در این نوع داورى، ذکر محل صدور رأی به صورت الزام‌آور پیش‌بینی نشده است.

د- تعیین زبان رأی داورى

یکی از موضوعاتی که بر اساس اراده و توافق طرفین در داورى تعیین می‌شود، زبان داورى است. منظور از زبان داورى، زبانی است که رأی داورى در آن صادر می‌شود و همچنین تمامی اسناد، مدارک و دلایل باید به همان زبان ارائه گردد. در عمل، آنچه معمولاً در انتخاب یا تعیین زبان داورى مورد توجه قرار می‌گیرد، برگزیدن همان زبانی است که قرارداد اصلی بر مبنای آن تنظیم شده است. (امیرمعزی، ۱۳۸۸: ۳۴۸)

چنانچه قانون حکمیت تجاری در ماده ۳۵ می‌گوید: «طرفین می‌تواند بر زبان یا زبان‌های مورد استفاده در رسیدگی حکمیت موافقت کنند.» البته قواعد مرکز حل منازعات تجاری افغانستان تصریح کرده است که در صورت عدم امکان توافق طرفین اختلاف و استقرار بورد حکمیت در افغانستان زبان حکمیت عبارت از زبان پشتو و دری خواهد بود. رأی داور در حقوق داخلی با زبان رسمی صادر می‌شود ولی، در داورى بین‌المللی این مهم بستگی به توافق طرفین یا مقررات سازمان داورى دارد که طبیعتاً با هر زبانی ممکن است صادر شود. تا حد امکان، زبان نگارش رأی داورى باید با زبان نگارش قرارداد مطابقت داشته باشد.

این اقدام از بروز اختلافات ناشی از تفاوت معنایی کلمات یا تفاوت‌های فرهنگی جلوگیری کرده و ریسک تفسیر نادرست رأی و احتمال وقوع بی‌عدالتی را کاهش می‌دهد.

نخست هنگامی که رأی منتشر می‌شود، این فقط طرفین دعوا نیستند که از رأی اطلاع دارند، بلکه در مقالات، کتب و مجلات علمی رأی داوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ایرادات آن با نقدهای جدی مواجه می‌شود و همچنین نقاط قوت و مزایای رأی صادره برجسته خواهد شد. دوم این که انتشار رأی، اطلاعاتی را به دست می‌دهد که به تشخیص شیوه‌های کسب‌وکار و کاربردهای مسایل تجاری کمک می‌کند. سوم این که انتشار رأی می‌تواند قابلیت پیش بینی آرای آینده را افزایش دهد. چهارم این که انتشار رأی به قوانین داوری اجازه می‌دهد تا از طریق مطالعه رویه‌های مورد استفاده عالمان و متخصصان داوری، پیشرفت و ترقی کنند. (براتی، ۱۳۹۲: ۶۴)

ه- ثبت رأی

در بعضی از نظام‌های حقوقی مقرر شده است که دیوان داوری موظف است رأی داوری را نزد دادگاه ملی ثبت کند و یا یک نسخه آن را نزد دادگاه تودیع کنند، بر اساس بند ۷ مقررات داوری آنسیترال، در صورتی که قوانین داوری کشور محل صدور رأی، ثبت رأی داوری را الزامی بدانند، دیوان داوری موظف است رأی را ظرف مهلت قانونی مقرر به ثبت برساند. (شبروی، ۱۳۹۶: ۲۶۶)

ز- ابلاغ رأی

اعلام شفاهی رأی داوری هیچ اثر حقوقی ندارد. پس از صدور رأی، ضروری است که رأی به طرفین ابلاغ شود. روش‌های ابلاغ رأی در کشورهای مختلف متفاوت است و معمولاً بر اساس قوانین داخلی یا مقررات داوری منتخب تعیین می‌گردد. ابلاغ یک امر ضروری است، تا طرفین بتوانند در صورت لزوم، درخواست تصحیح یا تفسیر رأی را بکنند و اعتراض به رأی قابل انجام باشد. مدت زمانی که طرفین می‌توانند در خلال آن درخواست تفسیر یا تصحیح رأی بکنند یا به آن اعتراض کنند، معمولاً از تاریخ ابلاغ رأی به طرفین آغاز می‌شود. (براتی، ۱۳۹۲، ص ۵۵)

قانون داوری تجاری بین‌المللی در خصوص روش ابلاغ رأی سکوت کرده است، اما در بند ۴ ماده ۳۱ اشاره شده است که پس از امضای رونوشت، رأی باید به هریک از طرفین ابلاغ شود. همچنین ماده ۳۵ این قانون، رأی را پس از ابلاغ قطعی، لازم‌الاجرا اعلام می‌کند. در صورت نیاز، می‌توان با مراجعه به مرجع نظارتی موضوع ماده ۶، سکوت قانون را رفع و روش مناسب ابلاغ را تعیین نمود.

ح- موجه و مدلل بودن رأی

قانونگذار در خصوص استدلال و استناد در رأی‌های دادگاه و داور، تعبیر متفاوتی به کار برده است. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ماده ۳۷۴ بر مستدل، موجه و مستند بودن رأی دادگاه تأکید دارد. همچنین در ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی، برای رأی داور، تعبیر «موجه و مدلل بودن» به کار رفته است. (زارع‌شعار، ۱۴۰۲: ۱۷۶)

در داوری تجاری بین‌المللی، مطابق بند ۲ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی، داور موظف است کلیه دلایل خود را در متن رأی ذکر کند، مگر این که طرفین توافق کرده باشند که دلایل ذکر نشود یا رأی داور بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین و پس از حصول سازش صادر شده باشد.

۵. چگونگی صدور رأی داوری

هدف اصلی از ارجاع منازعه به داوری رسیدگی و صدور رأی مبنی بر حل و فصل منازعه است. رسیدگی در داوری یا حکمیت دو وضعیت را در فرایند رسیدگی طی می‌کند که در این جریان ممکن است قبل از صدور رأی به دلایلی خاتمه پیدا کند یا این که منتهی به صدور رأی گردد. رسیدگی در داوری همیشه منتهی به صدور رأی نمی‌شود و حوادثی در این جریان اتفاق می‌افتد که ممکن است داوری پیش از صدور رأی خاتمه پیدا کند.

الف- انصراف مدعی قبل از صدور رأی

رسیدگی حکمیت مانند رسیدگی قضایی، مستلزم درخواست رسیدگی از سوی مدعی است. مدعی برای احقاق حقوق خود با توجه به اسناد و مدارکی که در اختیار دارد، اقدام به طرح دعوا می‌کند اما اگر مدعی از ادعای خود انصراف دهد و درخواست خود را مسترد کند دیگر رسیدگی مورد حکمیت معنا نخواهد داشت؛ چرا که «مدعی» و «ادعایی» وجود ندارد این موضوع ناشی از قراردادی بودن حکمیت است و این که هر شخصی حق دارد از حقوق خود صرف نظر کند. عکس این مطلب نیز صادق است و هیچ کسی مجاز نیست مانع احقاق حقوق مدعی گردد. (افضلی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۳۷)

به همین دلیل در هیچ نظام حقوقی مورد حکمیت اختیار ذاتی برای رد ادعای مدعی به دلیل تأخیر در حکمیت را ندارد البته این در صورتی است که مدعی علیه دعوی متقابل طرح نکرده باشد. اگر دعوی متقابل طرح شده باشد. با وجود انصراف مدعی از دعوا مدعی علیه می‌تواند از مورد حکمیت بخواهد در ضمن ختم دعوی اصلی به دعوی متقابل رسیدگی کند که در این صورت با وجود ختم رسیدگی به دعوی اصلی دعوی متقابل ادامه پیدا می‌کند؛ مگر این که با انصراف مدعی از دعوی اصلی مدعی علیه نیز از دعوی متقابل انصراف دهد. در صورتی که مدعی از ادعای خود انصراف دهد، این انصراف معتبر خواهد بود، مگر آن که مدعی علیه ادعای متقابل داشته باشد یا نسبت به انصراف مدعی اعتراض کند. در چنین شرایطی، هیأت حکمیت باید منافع قانونی و موجه مدعی علیه را در فرایند حل و فصل نهایی اختلاف لحاظ کند. بنابراین با توجه به این که مدعی انصراف صریح یا ضمنی داده است مورد حکمیت تصمیم خواهد گرفت و حتی قراری مبنی بر ختم رسیدگی مطابق ماده ۴۰ قانون حکمیت تجاری صادر خواهد کرد. (افضلی و میرزایی، ۱۴۰۰: ۱۲۵)

ب- توافق طرفین به ختم دعوا

«حکمیت به عنوان نهاد» یا «محکمه خصوصی» که بر اثر اراده و توافق طرفین ایجاد می‌شود می‌تواند با اراده و توافق آن‌ها نیز خاتمه یابد. به همین دلیل، تمام قوانین ملی و بین‌المللی به این موضوع پرداخته

و خاتمه حکمیت را با توافق طرفین اجازه داده و محدودیتی در این خصوص قائل نیستند؛ چنان‌که بند دوم ماده ۴۸ قانون حکمیت تجاری نیز توافق طرفین را برای ختم رسیدگی کافی دانسته است. از لحاظ زمانی نیز محدودیتی وجود ندارد و طرفین در هر مرحله‌ای از جریان حکمیت تا قبل از صدور قرار نهایی مجاز هستند توافق بر ختم رسیدگی کنند و حتی بورد حکمیت نیز از این موضوع حمایت و استقبال خواهد کرد؛ چه این‌که هدف نهایی بورد حکمیت نیز حل و فصل اختلافات است. (افضلی و رحیمی ۱۳۹۵: ۲۳۸)

البته نحوه خاتمه دادن به حکمیت بر اثر توافق طرفین ممکن است در هر مورد متفاوت باشد. گاهی ممکن است چنین توافقی به صورت ساده باشد و آن‌ها از بورد حکمیت درخواست ختم رسیدگی را کنند که بورد نیز بر اساس چنین درخواستی به رسیدگی خاتمه می‌دهد. گاهی نیز طرفین حکمیت از بورد حکمیت می‌خواهند بر اساس توافق آنها قراری مبنی بر رضایت طرفین صادر و به رسیدگی خاتمه دهد که بورد نیز مبتنی بر درخواست آن‌ها عمل خواهد کرد و نیازی به استدلال و درج آن در قرار نخواهد بود. طبیعی است که در این صورت تصمیم نهایی قرار بوده و قابلیت شناسایی و تطبیق را نیز خواهد داشت.

ج- غیر ضروری بودن رسیدگی

گاهی رسیدگی حکمیت به دلایلی غیر از انصراف یکی از طرفین یا توافق آن‌ها خاتمه پیدا می‌کند مانند فوت یکی از طرفین، فوت داور و انقضای مدت حکمیت.

د- صدور رأی توسط حکم (داور) واحد

ماده ۱۲ قواعد داوری ICC (اتاق بازرگانی بین‌المللی) مقرر می‌دارد که رسیدگی به اختلافات می‌تواند توسط داور واحد یا هیأت داوری سه نفره انجام گیرد. بر اساس فقره ۲ همین ماده، در صورتی که طرفین درباره تعداد داوران توافقی نداشته باشند، دیوان داور واحد را منصوب خواهد کرد؛ مگر آن‌که تشخیص دهد اوضاع و احوال اختلاف ایجاب تعیین سه داور را دارد. در چنین حالتی، مدعی مکلف است ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم دیوان، داور خود را معرفی کند و مدعی علیه نیز ظرف پانزده روز از تاریخ وصول ابلاغیه معرفی داور مدعی، داور خویش را تعیین کند و در صورت استنکاف هریک از طرفین، تعیین داور بر عهده دیوان خواهد بود.

قانون داوری تجاری افغانستان در ماده ۱۲ نیز ترکیب داوران را پیش‌بینی کرده است. در این قانون، طرفین در تعیین تعداد داوران آزادند و در صورت سکوت، اصل بر تعداد فرد (یک یا سه) است.

ه- صدور رأی توسط داورهای متعدد

بر مبنای فقره ۴ ماده ۱۲ قواعد داوری ICC (قواعد داوری بین‌المللی) در مواردی که طرفین توافق کنند اختلاف به سه داور ارجاع شود، هریک باید ضمن تقدیم درخواست یا پاسخ خویش یک داور را برای تأیید دیوان معرفی کند و در صورت امتناع هریک، تعیین داور توسط دیوان انجام می‌شود. و نهایتاً به موجب فقره ۵ همین ماده، در داوری‌های سه‌نفره، داور سوم که ریاست مرجع داوری را بر عهده دارد، توسط دیوان منصوب خواهد شد؛ مگر این‌که طرفین در خصوص شیوه انتخاب او توافقی کرده باشند. در این صورت،

انتصاب داور سوم منوط به تأیید دیوان و مطابق ماده ۱۳ قواعد داوری بین‌المللی خواهد بود و هرگاه ترتیبات توافق‌شده نتیجه‌ای در بر نداشته باشد، دیوان رأساً اقدام به انتصاب داور سوم می‌کند. قانون حکمیت تجاری افغانستان نیز در این زمینه پیش‌بینی‌هایی دارد. براساس ماده ۴۵ این قانون: «هرگاه منازعه‌ای توسط بیش از یک حکم مورد رسیدگی قرار گیرد، تصمیم نهایی بر اساس اکثریت آرای اعضا اتخاذ می‌شود، مگر این‌که طرفین به شکل دیگری توافق کرده باشند.»

۶ آثار رأی داوری

الف- منع مراجعه به محکمه

با ختم رسیدگی توسط دیوان داوری رأی نهایی صادر می‌گردد، اختلاف فیصله یافته و امکان طرح مجدد آن در هیچ مرجع داوری یا دادرسی وجود نخواهد داشت، بلکه باید از رأی صادره تبعیت کرده و به آن احترام بگذارد. با خاتمه یافتن رسیدگی محکوم‌علیه و محکوم‌له مشخص می‌گردد و محکوم‌له می‌تواند رأی صادره را به تطبیق بگذارد و از نتایج دیوان داوری بهره‌مند گردد. اگر محکوم‌علیه بخواهد بار دیگر در محاکم اقدام به اقامه دعوا کند با موافقت نامه داوری منعقدۀ توسط طرفین و با هدف داوری منافات پیدا می‌کند. (شیروی، ۱۳۹۶: ۲۷۱)

به همین دلیل اگر محکوم‌علیه در محاکم اقامه دعوا کند. محکوم‌له می‌تواند به رأی صادره استناد و دعوا را رد کند. لذا، به صورت ضمنی یکی از آثار صدور رأی داوری مختومه شدن دعوا و منع از مراجعه به محاکم خواهد بود. قانون حکمیت تجاری نیز در فقره اول ماده ۵۶ می‌گوید: قرار حکمیت صرف نظر از این‌که در کدام کشور صادر شده است، قابل تطبیق می‌باشد که به نوعی مختومه بودن و غیر قابل رسیدگی مجدد بودن قرار حکمیت را بیان کرده است.

ب- ختم داوری

یکی از آثار دیگر صدور رأی ختم داوری است، که با صدور رأی دعوا مختومه می‌شود، فرایند رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی خاتمه می‌یابد و ماموریت داوران پایان می‌یابد. این امر به صراحت در ماده ۳۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی آمده است: «رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی خاتمه پیدا می‌کند.» بعد از صدور رأی داور، اعتبار امر مختوم همانند احکام دادگستری در حدود خود محقق می‌شود، رأی صادره توسط دیوان داوری قطعی است؛ یعنی پس از اتخاذ تصمیم توسط اعضای دیوان داوری و امضا و اعلام آن همچون محاکم قضایی، مراحل رسیدگی تجدید نظرخواهی و فرجام‌خواهی را ندارد. البته این قطعیت رأی به این معنا نیست که رأی داوری در هیچ صورت قابل اعتراض نباشد در مواردی ممکن است رسیدگی مجدد در رأی‌های داوری پیش‌بینی شده باشد. (ایران‌شاهی، ۱۳۹۱: ۳۹۳) چنان‌که قانون حکمیت تجاری در ماده ۵۵ به این موضوع پرداخته است. البته ماده مذکور شرایط آن را متذکر نشده است و فقط می‌گوید. محکمه می‌تواند در صورت فسخ قرار حکمیت (رأی داوری)، با درخواست یکی از طرفین یا در صورت لزوم، هیأت حکمیت (دیوان داوری) موظف است فرصت مناسبی را برای خود فراهم سازد تا رسیدگی حکمیت را مجدداً آغاز کرده یا اقدامات لازم را برای فسخ قرار حکمیت اتخاذ کند. این رویه تضمین می‌کند که حق

طرفین برای طرح مجدد مسایل یا رفع موانع قانونی رعایت شود و جریان داوری به طور عادلانه و منظم ادامه یابد.

نتیجه گیری

رأی داوری، به عنوان هدف اصلی و ثمره فرایند داوری، جایگاه ویژه‌ای در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی دارد. داوران، با بررسی دقیق اسناد، شواهد، و استماع ادله طرفین، تصمیمی را اتخاذ می‌کنند که نه تنها اختلاف را پایان می‌دهد، بلکه آثار حقوقی الزام‌آور برای طرفین ایجاد می‌کند. بررسی‌ها حاضر نشان داد که آرای داوری در شکل‌ها و انواع متعددی همچون رأی نهایی، رأی جزئی، موقت، مرضی‌الطرفین، غیابی و تفسیری صادر می‌شوند و هریک از این انواع، متناسب با وضعیت و نیازهای خاص پرونده‌ها در رویه داوری بین‌المللی کاربرد دارند. صدور رأی داوری مستلزم رعایت شرایط شکلی خاصی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتبی بودن، امضای معتبر داور یا داوران، ذکر تاریخ و محل صدور، تعیین زبان رأی و ابلاغ رسمی آن اشاره کرد. عدم رعایت هریک از این شرایط می‌تواند بر اعتبار و قابلیت اجرای رأی تأثیرگذار باشد.

یکی از نکات کلیدی پژوهش این است که قوانین داوری، بویژه در بُعد بین‌المللی، در بسیاری از موارد به شکل صریح انواع رأی یا رویه صدور آن‌ها را مشخص نمی‌کنند و این خلاء گاهی از طریق تفسیر ضمنی مواد قانونی، اسناد بین‌المللی و رویه عملی داوران جبران می‌شود. همین موضوع، اهمیت وجود قوانین شفاف‌تر و سازگار با تحولات بین‌المللی را دوچندان می‌کند.

منابع و ماخذ

الف) کتاب‌ها

۱. اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC).
۲. افضل‌ی، عبدالواحد، و رحیمی، محمداسحاق. (۱۳۹۵). حقوق حکمیت تجارته بین‌المللی. کابل: انتشارات بنیاد اندیشه.
۳. افضل‌ی، عبدالواحد، و میرزایی، علی محمد. (۱۴۰۰). حکمیت و میانجی‌گری تجارته. کابل: انتشارات واژه.
۴. امیر معزی، احمد. (۱۳۸۸). داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی (چاپ دوم). تهران: نشر دادگستر.
۵. ایرانشاهی، علیرضا. (۱۳۹۳). اعتراض به رأی داوری در داوری‌های تجاری بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.
۶. آتونیبوکاسس، و نصرت‌الله حلمی. (۱۳۶۵). مقررات سازش و داوری، دیوان داوری اتاق تجارت بین‌المللی، شرط داوری نمونه برای اتاق تجارت بین‌المللی. مجله حقوق بین‌المللی، دوره ۵(۵)، ۲۳۳-۲۶۰.
۷. بختیاروند، مصطفی، و احمدی، میترا. (۱۳۹۷). انواع رأی در داوری تجاری بین‌المللی با تأکید بر حقوق ایران. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، ۲۷۳-۲۹۸.
۸. براتی، زینب. (۱۳۹۲). اقسام رأی داوری و انعکاس آن در داوری تجاری بین‌المللی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). رشته حقوق بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات احمدی.
۱۰. خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۱). حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. خزاعی، حسین. (۱۳۸۴). رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌المللی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷(۳)، ۹۷-۱۲۶.
۱۲. خواجه امانی، فیض‌الله، و همکاران. (۱۳۹۲). مصالحه، میانجی‌گری و حکمیت. کابل: وزارت عدلیه.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه (جلد ۷، چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. رستم باز، سلیم. (۱۳۰۵). شرح المجله (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. زارع شعار، حسین. (۱۴۰۲). معیارهای اعتبار رأی در داوری ملی و بین‌المللی با نگاهی به قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۶(۶۱)، ۱۶۶-۱۸۶.
۱۶. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۶). داوری تجاری بین‌المللی. تهران: انتشارات سمت.
۱۷. عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی (جلد ۱، چاپ ۲۳). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. قانون حکمیت تجارته. (۱۳۸۶).
۱۹. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران. (۱۳۷۶).
۲۰. قانون داوری تجاری بین‌المللی.
۲۱. قانون داوری نمونه آنسیترا. (۱۹۸۵).
۲۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). اعتبار امر قضاوت شده (چاپ نهم). تهران: بنیاد حقوقی میزان.

References

23. Redfern, A., & Hunter, M. (2003). *Law and practice of international commercial arbitration*. London: Sweet & Maxwell.
24. Rhodes, J. M. (2003). Judicial review of partial arbitral awards under Section 10(a)(4) of the Federal Arbitration Act. *The University of Chicago Law Review*, 70(2).